

به نام خدا

مبانی تحکیم نهاد خانواده با بهره‌گیری از آموزه‌های رضوی

هاجر جهان‌دیده^۱

احمد داوری^۲

چکیده:

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی می‌باشد که حفظ این نهاد، هم باعث دوام جامعه و هم عامل رشد، بالندگی و به کمال رسیدن آن می‌باشد؛ پس باید مبانی تحکیم این نهاد انسانی مقدس بیش از پیش مورد مطالعه قرار گیرد؛ و از آنجا که آموزه‌های اسلام، خصوصاً سیره ائمه‌علیهم‌السلام از غنی‌ترین منابع برای این مطالعات می‌باشد؛ از این روی باید عوامل استحکام و سعادت خانواده با مراجعه به آموزه‌های این بزرگواران بازشناسی شود. در این مقاله تلاش شده است تا با روش توصیف و تحلیل روایات، مبانی استحکام بنیان خانواده، با استفاده از آموزه‌های انسان‌ساز امام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام مورد بررسی قرار گیرد. در احادیث و روایات آن حضرت، عفت، عمل به آموزه‌های اسلامی، محبت، احترام و ... جزء مهمترین عوامل و مبانی تحکیم بنیان خانواده می‌باشند.

کلید واژگان: خانواده، تحکیم نهاد خانواده، مبانی تحکیم، عمل به آموزه‌های اسلام، امام‌رضا علیه‌السلام.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی رشته علوم قرآن مجید دانشکده علوم قرآنی مراغه، hajar2341@chmail.ir

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ahaddavari@gmail.com

مقدمه:

هر یک از انسانها به صورت یک جزء از یک کل در متن خلقت آفریده شده اند و در نهاد هر یک از آنان گرایش به کل وجود دارد و اجتماعی بودن یک غایت کلی و عمومی است که طبیعت انسان به طور فطری به سوی آن روان است؛ از آیات کریمه قرآن نیز استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است. «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات، ۱۳) ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۳۳)

خانواده به عنوان یک اصل برتر و یک اجتماع بنیادین، نیازهای اساسی انسان را بر آورده و او را در مسیر کمال قرار می‌دهد. بر کسی پوشیده نیست که جامعه نیز برای دست یابی به سعادت، رشد و ترقی، پایه ای مستحکمتر از خانواده سالم نخواهد داشت؛ و همین امر اهمیت پرداختن بیش از پیش به نهاد خانواده و بازشناسی مبانی تحکیم و استوار سازی این بنیان را برای همگان روشن می‌سازد.

معصومین علیهم السلام که حجت خداوند بر مردم هستند و مشعل هدایت را جز در دست آنها نمی‌توان دید؛ برای رسانیدن همه مردم به سرمنزل کمال و سعادت، در همه زمینه‌ها، برترین الگو را ارائه نموده اند و با سیری در آموزه‌ها و سیره ایشان، می‌توان برای تمام زندگانی برنامه‌ای پر بار را تدارک دید. نهاد خانواده اسلامی نیز برای تحکیم یافتن و پا بر جا ماندن، بر مبانی استوار است که برای شناسایی و پی بردن به این مبانی، بهترین روش، مراجعه به قرآن و روایات و احادیث به جای مانده از ائمه سلام الله علیهم می‌باشد. با بررسی‌های اولیه مطلب جامعی مطابق با عنوان مقاله به دست نیامد؛ ولی ناگفته پیداست که کتب بسیاری درباره خانواده و روشها و عوامل استحکام بخشی به این نهاد نگاشته شده است؛ ولی در این باره، آموزه‌های امام رضا علیه السلام به طور خصوص مورد بررسی قرار نگرفته استوار این جهت این نوشته، هم دارای اهمیت و هم دارای نوآوری می‌باشد. چنان که گذشت در این مقاله بخشی از آموزه‌های امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است و تعدادی از مهمترین مبانی و اصول تحکیم خانواده به اختصار تبیین شده است.

«خانواده» در لغت و اصطلاح:

از آنجا که در زبان عربی به جای کلمه خانواده از لفظ عشیره استفاده می‌شود؛ (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱) و آن نیز از معاشرت گرفته شده است؛ (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۶؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۳،

ص ۲۴۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۰۴) به همین جهت با مراجعه به برخی از کتب لغت، به تبیین این لفظ پرداخته شد؛ تا معنای دقیقتری درباره خانواده به دست آید.

«عشر» به معنای مخالطه، مداخله و معاشره می باشد؛ و نیز معادل عدد ده آورده شده است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۵۶۹) این کلمه بر مصاحبت مداوم دال می باشد؛ چنانکه عدد ده حاصل کنار هم قرار گرفتن دو عدد می باشد و در اصل بر جماعتی دلالت دارد که بر مدار محوری مشترک هستند؛ و خانواده نیز به همین اعتبار، عشیره خوانده شده است. (ر.ک: بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۱۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۷) و خاندان مرد را عشیره می گویند؛ چرا که به وسیله آنها خانواده تکثیر پیدا می کند و همه آنها اهل و خانواده او هستند. و خدای متعال می فرماید: «وَأَزْوَاجَكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ» (توبه، ۲۴) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۲؛ قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۰۳) و زن و مرد را که هسته اولیه یک خانواده هستند؛ عشیر می گویند. (کفعمی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۱۱) با توجه به آنچه گذشت، خانواده یک واحد اجتماعی هست که لاقلاً از یک زن و یک مرد، که بین آن ها رابطه ی زوجیت به وجود آمده، ناشی می شود؛ و وجود حداقل دو نفر، شرط تحقق یک خانواده است. (بهجت پور، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷) به بیان دیگر، مقصود از خانواده یا خانوار، مجموعه ی افرادی است که به طور معمول شامل پدر و مادر و فرزندان می شود. آنها در یک اقامتگاه زندگی می کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می خورند. (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵)

امام رضا علیه السلام:

امام ابو الحسن الثانی، علی بن موسی الرضا علیه السلام، هشتمین امام از ائمه اهل بیت علیهم السلام است. همان امامانی که همه عظمت در شخصیت آنان تجسم دارد، و نمونه عالی بزرگواری هستند. (ر.ک: فضلالله، ۱۳۸۲، ص ۱۹؛ ابن جوزی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۲؛ شریف قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳؛ شریف قرشی، ۱۴۱۸، ص ۲۲۶؛ معروف الحسینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۵۹؛ المرعشی التستری، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۴۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۲۲، ص ۱۸۵)

در مورد خصوصیات و شخصیت والای امام رضا علیه السلام روایات بسیاری وجود دارد؛ مثلاً ابن جوزی گفته است: علی بن موسی علیه السلام بسیار بخشنده، عادل، محترم و زاهد بودند. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰) و در باب علم آن حضرت، حاکم در تاریخ نیشابور می نویسد: امام رضا علیه السلام در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله می نشست و فتوا می داد، در حالی که او بیست و چند ساله بود. (فضل الله، ۱۳۸۲،

ص ۴۹) و نیز ابا صلت گفته است: محمد بن اسحاق بن موسی بن جعفر برایم نقل کرد که حضرت موسی بن جعفر به فرزندان خود می فرمودند: «این برادر شما علی بن موسی الرضا عالم آل محمد است...» (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۹۲؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۲۲، ص ۱۷۹؛ اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۳۵) و همچنین حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «علی الرضا فقیه ترین و عالم ترین فرزند من است و کنیه خود را به او عطا کرده ام.» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۰) و باز ابا صلت هروی از قول خود امام رضا علیه السلام آورده که فرمودند: «امام یگانه زمان خود است و احدی شایسته هم ترازوی با او نیست. هیچ عالمی با او برابری نکند.» (فندوزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰)

اخلاق و رفتار و مهربانی و فروتنی و نعدوستی آن حضرت بی اندازه مردم را علاقمند کرده بود، و با نفوذ علمی و محبوبیت معنوی، عالیتین موقعیت و نفوذ را بدست آورده بودند. (عسکری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۰) در یک کلام: عصمت، علم، اخلاق نیکو، شخصیت والا، و مقام امامت و رهبری شیعیان، امام را از همه افراد متمایز کرده بود و او را جایگاهی بسیار ارزشمند بخشیده بود. (ر.ک: عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴) چنان که می دانیم یک عالم اجتماعی می تواند در روند تغییر اجتماعی و سوق آن به سوی رشد و تکامل مؤثر باشد. (کریمی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۴) وقتی یک عالم معمولی توان چنین تأثیری را دارد؛ طبعاً شخصیت بی نظیری چون امام علی بن موسی الرضا علیه السلام؛ می تواند تاریخ بشریت را نورانی کرده و سعادت راستین و هدایت و کمال حقیقی را برای آنان به ارمغان بیاورد؛ چرا که امام رضا علیه السلام در برترین و عالی ترین خانواده در اسلام رشد یافته است؛ و آن خانه مرکز تقوا و فضائل روحانی بود. (ر.ک: شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۹-۵۶؛ شریف قرشی، ۱۴۱۸، ص ۳۷؛ رفاعی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۵۴۹) با معرفی مختصری که درباره شخصیت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام گذشت در می یابیم که با مراجعه به سیره این عالم عالم تاب و این حجت الهی می توان ناب ترین آموزه ها را درباره نهاد خانواده و مبانی تحکیم آن به دست آورد.

نهاد خانواده:

انسانها توان تنها زیستن ندارند و به طور فطری جمعگرا هستند و مجموعه ای از انسانها که در یک محدوده سکونت دارند، جامعه را تشکیل می دهند. (تمنا، ۱۳۸۹، ص ۵) برای انسانها بهترین زندگی ها زندگانی جمعی هستند که بر پایه محبت و انسانیت شکل گرفته باشد. نهاد خانواده برترین اجتماع انسانی می باشد که در عین کوچک بودن بیشترین نیازهای آدمی را پاسخگو می باشد. علی بن شعیب گوید: بر ابو الحسن رضا علیه السلام داخل شدم، پس به من فرمودند: ای علی! زندگی چه کسی بهتر است؟ گفتم: سرورم! شما بهتر از من می دانید.

فرمودند: ای علی! کسی که دیگری در زندگی او خوش زید. و نیز فرمودند: ای علی زندگی چه کسی بدتر است؟
گفتم: شما بهتر می‌دانید. فرمودند: کسی که دیگری در زندگی او زندگی نکند... (امین عاملی، ۱۳۷۶،
ج ۵، ص ۱۹۹؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۷۱۵)

چنان که گذشت خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد؛ و بقاء آن سبب
بقاء، رشد، و انسجام جامعه خواهد بود و حتی روابط مناسب در جامعه نیز، بر پایه روابط صحیح و استوار در
خانواده به وجود می‌آید. (اعزازی، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۲) و درباره اهمیت تشکیل خانواده روایات فراوانی وارد شده
است؛ برای مثال: عبد الله بن مغیره گوید: حضرت رضا علیه السلام فرمودند:... پدرم می‌فرمودند: دو رکعت نمازی
که مرد زن‌دار می‌خواند بهتر از همه عبادات کسی است که روزها را روزه داشته و شبها را به نماز بگذراند؛ در
صورتی که زن نداشته باشد. (عطار دی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۱؛ مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۴۴)

زندگی خانوادگی که جامعه ای در مقیاس کوچکتر می‌باشد باید بر اساس مبانی صحیح بنیان گردد تا استحکام
بالایی را دارا باشد. پیشوایان سترگ جامعه بشری، همواره بر ضرورت عمل به شیوه زندگی سالم پای فشرده‌اند.
(علی بن موسی علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۷) شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب
صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و
بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است
و باید با آن مبارزه کرد. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۴۳۷) از این روی در این بخش به تعدادی از مهمترین مبانی
و اصول، که سبب تحکیم بنیان مقدس خانواده اسلامی می‌باشد، به اختصار پرداخته شده است.

عفت:

قانون خلقت برای اینکه زن و مرد را بهتر و بیشتر به یکدیگر پیوند دهد؛ و کانون خانوادگی را که پایه اصلی
سعادت بشر است استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یکدیگر آفریده است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۲۲۹) و
در این میان عامل جنسی یک عامل ثابت و پایدار است و همیشه به سوی تشکیل خانواده و انتخاب همسر و
تولید فرزند گرایش داشته است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۸۱) علاوه بر این اسلام با دنیا و لذت‌های آن مخالف
نیست بلکه با بی بند و باری و فساد مخالف می‌باشد؛ چنان که امام رضا علیه السلام فرمودند: سه چیز از
سنت‌های پیامبران است: عطر و اصلاح مو و بسیار خلوت گزیدن با همسر. (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۸۰۳)

ناگفته پیداست که اختصاص یافتن التذاهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. از جنبه اجتماعی نیز موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. چنانچه حجاب نیز در این راستا تعریف شده است و از یک مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد؛ یعنی سبب بالابردن احترام زن و جلوگیری از ابتدال او می‌باشد. و به تبع او جامعه را از فساد حفظ می‌نماید. در حالی که روابط آزاد، اولاً موجب می‌شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و ثانیاً پیوند ازدواج‌های موجود را سست می‌کند. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۴۳۳-۴۳۸) امام رضا علیه السلام فرموده اند: آن که پاکدامن نیست دین ندارد... (معروف‌الحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۵۶) پس یکی از چیزهایی که پایه خانواده و محیط خانوادگی را محکم می‌کند همین مسئله یعنی ممنوعیت کامیابی جنسی در خارج از کانون خانواده است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۶، ص ۳۹۲) به طور کلی، هنگامی که روابط اجتماعی بر پایه حیا و عفت شکل می‌گیرد، هم جامعه بسیار بالنده خواهد بود و هم خانواده های این جامعه استوار خواهند بود.

در آخر باید اشاره کرد که افراد پاک در دیدگاه ائمه علیهم السلام از ارزش اعتبار بسیاری برخوردارند. در مورد مادر امام رضا علیه السلام در کتب روایی آورده اند که: صولی از عون بن محمد کندی از ابو الحسن علی بن میثم نقل کرده است که می‌گفت: حمیده مصفاة کنیزی به نام تکتم خرید. روزی به فرزندش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: تکتم زنی است که تاکنون از او بهتر ندیده‌ام؛ یقین دارم اگر صاحب فرزند شود نسل پاکی خواهد داشت او را به تو بخشیدم قدرش را بدان. و او آن قدر پاک و عقیف بود که وقتی حضرت رضا از او متولد شد لقب طاهره باو دادند. (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۶-۷؛ مجلسی، ۱۳۸۲، ص ۹۲۶؛ اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۵۰؛ طبری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۹۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۱؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۱۸)

مادر امام رضا علیه السلام دارای تمام صفات و کمالات عالییه بود و در میان زنان مسلمان مقامی عالی پیدا کرد، زیرا دارای عفت، پرهیزکاری و روحی بزرگ بود. او در زمره زنان با شکوه در اسلام است. او کنیزی بیش نبود ولی این ویژگی، موقعیتش را کاهش نداد، زیرا اسلام، دین و عمل خوب را به عنوان میزان امتیاز برای افراد می‌داند و هر چیز دیگری را جز این میزان مهم نمی‌داند. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۷-۳۸) و این تنها مثالی از زنان و مردان پاک بود.

عمل به آموزه های دینی:

رابطه بسیار تنگاتنگی بین عمل به آموزه های دینی و حفظ و تحکیم بنیان خانواده وجود دارد و گسترده‌گی آموزه های دینی به وسعت همه زندگی می باشد. دینبرای همه ابعاد زندگی بشر برنامه دارد. حضرت رضا علیه السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای در ایمان به کمال نمی‌رسد مگر اینکه در او سه خصلت باشد، فهمیدن و درک کردن مسائل دینی و شرعی، و تنظیم برنامه‌های زندگی با بهترین روش، و شکیبائی در گرفتاریها. (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۶۵)

چنانچه خانواده به آموزه ها و هشدارهای دینی و اخلاقی اهمیت ندهد و بنیان و نهاد خانواده را بر غیر از اصول دین بنا نهد، پس از مدت کوتاهی بنیاهای اخلاقی این خانواده دچار فساد شده و این سازمان اجتماعی را از هم می پاشد. از این روی پدران باید در کنار تأمین نیاز های مادی و معنوی همسر و فرزندان، مراقب وضعیت فرهنگی و اخلاقی آنان نیز باشند و آموزه های دینی را در خانواده نهادینه کرده و از وقوع گناه در محیط خانواده جلوگیری کنند؛ چنان که خداوند خطاب به مؤمنین همین وظیفه را گوشزد می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش حفظ نمایید. (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷)

دین اسلام برای همه ساحت های زندگی بشر، حتی برای بروز اختلاف در بین زوجین برنامه دارد؛ و آنجا که ممکن است این اختلاف به جدایی انجامد، قانون حکمیت را وضع کرده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» (نساء، ۳۵) اگر میان زن و شوهر اختلافی دیدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برانگیزید، اگر خواهان صلح باشند خدا میانشان سازگاری پدید آرد. (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳) و این یک مثال از قوانین و برنامه های پربار اسلام می باشد که به هنگام به لرزه در آمدن پایه های زندگی با آموزه های ناب خود آن را مستحکم می نماید.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره احکام و آموزه های دینی، خصوصاً درباره مسائل مربوط به نهاد خانواده و فلسفه های این قوانین احادیث بسیاری را بیان نموده اند؛ مثلاً درباره نگاه به نامحرم فرموده اند: «خداوند حرام کرده است نظر کردن به زنانی را که در حباله نکاح شوهرانشان هستند و غیر آنان را، به جهت اینکه این دیدنها قوه شهویه مردان را تحریک می کند، و این امر به فساد خواهد انجامید و باعث ورود فرد در اعمال حرام و کارهای ناپسندیده و نامشروع می شود.» (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۹) و همه این امور دست به دست هم داده و شالوده خانه و خانواده را برخواهند کند.

همچنین امام رضا علیه السلام فرمودند: «علت حرمت همجنس بازی مردان با مردان یا زنان با زنان از این جهت است که خداوند آنان را بر نظامی آفریده که زن از آن مرد باشد و مرد از آن زن، و در غیر این صورت انقطاع نسل پدید آید، و فساد تدبیر نظام خلقت و خرابی دنیا در آن خواهد بود.» لواط از رذایل اخلاقی است و در آن خروج از سنن طبیعی است و خدای تعالی آن را عمل زشت نامیده است: «و لَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (اعراف، ۸۰) و لوط را به یاد آورید هنگامی که به قومش گفت: آیا آن کار بسیار زشت را که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است مرتکب می‌شوید؟ (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۹۴)

و همین طور محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «علت اینکه سه طلاق مقرر شده این است که اگر مردی زن خود را بار اول طلاق داد، ممکن است که بار دیگر با هم سازش کنند و با هم زندگی مجددی برقرار کنند، و گاهی می‌شود که مرد و زنی با همدیگر نزاع دارند و در حال غضب از هم جدا می‌گردند، و بعد از چندی خشم و غضب آنها برطرف شده و با هم آشتی میکنند، و باز برای اینکه زنان را وادار به اطاعت از شوهران کند و آنها را از معصیت باز دارد.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۶؛ فضلالله، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹) اینها تنها مثالی از شرایع بسیاری است که توسط امام علی بن موسی الرضا علیه السلام تبیین شده اند. این قوانین شرعی به نوبه خود محکمترین چهارچوب را به نهاد خانواده بخشیده و آن را از هرج و مرج و نابودی باز می‌دارد.

اسلام برای جلوگیری از اشاعه منکرات و فحشا و فساد در جامعه و ممانعت از فرو ریختن پایه های زندگی خانوادگی، قوانین باز دارنده ای را نیز وضع نموده است. «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدُوا عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ۲) زن زناکار و مرد زناکار را به هر کدام صد تازیانه بزنید و شما را نسبت به آنها مهرورزی نگیرد در برابر دین خدا اگر شما مؤمن هستید به خدا و روز قیامت و باید جمعی از مؤمنان گواه کیفر آنها باشند. (معروفالحسنی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۴؛ شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۸؛ کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۰۹) همه این احکام و قوانین برای جلوگیری از فرو پاشیدن بنیان خانواده می باشد که بسیاری از آنها جنبه پیشگیرانه دارند.

محبت:

عشق و محبت و دوست داشتن نشان از وجود علقه و وابستگی می باشد و همین امر مانع از جدایی بین زوجین شده و بنیان زندگی را تحکیم می نماید. برعکس خاموشی شعله محبت، به حیات خانوادگی پایان می‌دهد.

(مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۲۴۱) احمد بن عامر طائی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم می فرمود: نخستین اثر عقل و خرد بعد از ایمان به خداوند، محبت و احسان و لطف و دوستی با مردم است. (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۴) خود حضرت امام رضا علیه السلام بسیار مهربان و خوش اخلاق بودند. (عسکری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹) برای ایشان هیچ عملی دوست داشتنی تر از مهربانی کردن نبود. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۰) آن حضرت حتی به خدمتکاران نیز بسیار محبت می کردند. (ر.ک: عسکری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۴۰)

ازدواج وحدت و اتصال است و طلاق جدایی و انفصال. خداوند پایه ازدواج را بر محبت و وحدت و همدلی قرار داده است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۲۶۰) سلیمان جعفری از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند متعال به زنان مهربانتر از مردان است، هر مردی که به زنی از ارحامش محبت کند و موجبات خوشحالی او را فراهم سازد، خداوند روز قیامت او را خوشحال می کند.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۳) علاقه و محبت اصیل و پایدار زن نیز به صورت عکس العمل به علاقه و احترام یک مرد نسبت به او به وجود می آید. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۲۶۲)

به نقل از محمد بن عیسی روایت کرده اند که حضرت رضا علیه السلام فرمودند: «هنگامی که خواستند مرا از مدینه بیرون برند من اهل و عیال خود را گرد آوردم و به آنها امر کردم بر من گریه کنند تا من گریه و زاری آنها را بشنوم، سپس از آنها جدا شدم و دوازده هزار دینار برای آنها گذاشتم. پس فرمود: من به سفری می روم که دیگر به جانب اهل و عیال خود باز نخواهم گشت. (عرفانمنش، ۱۳۷۶، ص ۱۶-۱۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۶۴؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۰۵؛ علی بن موسی علیه السلام، ۱۳۸۹، ص ۴۰) این عمل امام رضا علیه السلام در حالی که یک عمل سیاسی بود نشان دهنده محبت ایشان به خانواده گرامیشان نیز می باشد.

احترام:

احترام گذاردن به اطرافیان سبب افزایش دوستی و محبت شده و صمیمیت را بر خانه حاکم می کند. امام رضا علیه السلام فرمودند: «بزرگان خود را احترام کنید و با ارحام خود رفت و آمد نمائید و ناراحتی ها را از آنها برطرف سازید.» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۹)

و همچنین امام رضا علیه السلام در باره احترام به پدر و مادر فرمودند: «کمترین نافرمانی به پدر و مادر کلمه اُف است. اگر خدا می دانست چیزی ساده تر از اُف هست آن را نهی می کرد.» «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفَّ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳) به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند چنانچه تو را به ستوه آورند به آنان اُف مگوی و

بر آنان بانگ مزین و پرخاش مکن، و به آنان سخنی نرم و شایسته و بزرگووارانه بگو. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۹۴) پس هر که شکر ایشان را بجا نیاورد شکر حق تعالی را بجای نیاورده است (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۲۴)

رفتار همه افرار با یکدیگر باید بر پایه احترام باشد؛ امام رضا علیه السلام فرمودند که فرستاده خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس مرد یا زن مؤمنی را خوار و کوچک شمارد ... خداوند متعال روز قیامت او را مشهور کرده و سپس رسوا می‌سازد.» (علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۹۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۷) این احترام به طور متقابل می‌تواند در بین زوجین وجود داشته و زندگی آنان را پر از مودت و مهربانی نماید.

امام رضا علیه السلام حتی با فرزندشان نیز رفتاری بسیار محترمانه داشتند. حسین بن احمد بیهقی به سند مذکور در متن از محمد بن ابی عباد، کاتب آن حضرت علیه السلام روایت کرد که گفت: آن جناب هیچ گاه نام فرزندش محمد را نمی‌بردند مگر به کنیه، در حالی که او در مدینه هنوز کودک بودند، ولی امام با کمال احترام از او در نامه‌ها نام می‌بردند. (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۶؛ شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱) و موقعیت وی را روشن نموده و او را وارث امامت معرفی می‌کردند چنان که در منابع بسیاری آمده است: عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن معمر بن خلاد قال سمعت الرضا علیه السلام قال: «... إنا أهل بیت یتوارث أصغرنا عن أكابرنا القدّة بالقدّة.» (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۳۸۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۷۶؛ المرعشی التستری، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۱۸؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۹۹؛ معروف الحسینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۲۹؛ مالکی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۰۳۶)

گذشت و بخشش:

در مقاطع پر فراز و فرود زندگی و انجام امور روزمره، کاستی‌ها و لغزشهایی از همسران سر میزند که اگر هر یک از آنان نسبت به دیگری سختگیرانه و موشکافانه رفتار نماید، عرصه زندگی تیره و تار و مشاجره میان آنها همیشگی خواهد شد. در این گونه موارد مصالح بزرگتر زندگی مانند سلامتی روانی و اخلاقی فرزندان ایجاب می‌کند شخص محق از حق خود بگذرد و در صورت لزوم از طرف مقابل عذرخواهی نماید و آرامش را به فضای خانواده بازگرداند. (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴) امام رضا علیه السلام فرمودند: «اگر در فطرت کسی گذشت و ایثار وجود داشته باشد امید کمک و بخشندگی از او هست.» (ر.ک: شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸) و نیز احمد بن عامر طائی از حضرت رضا علیه السلام و ایشان از پدرانشان علیهم السلام و آنان از علی علیه السلام روایت می‌کنند که فرمودند: «سخت‌ترین اعمال سه چیز است، از حق خود نسبت به دیگران گذشت کردن، در هر حال به یاد خدا بودن، و در مال و ثروت با برادر دینی مواسات داشتن.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۷۰)

امام رضا علیه السلام صحابی خود را امر می کند تا در مورد خانواده و خویشان خود با ایثار و گذشت رفتار نماید و به آنان نیکی نماید؛ آورده اند که محمد بن حمزه از زکریا بن آدم روایت کرده است که گفت: به امام رضا علیه السلام گفتم: من می خواهم فامیلم را رها کنم زیرا در بین آنها افراد سفیه زیاد شده است. حضرت فرمودند: «این کار را نکن زیرا به وسیله تو بلا از آنها دفع می شود همان گونه که به خاطر ابی الحسن الکاظم علیه السلام بلا از مردم بغداد دفع می شود.» (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۰۹؛ قمی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۵۱۲)

و در برخوردی بین امام رضا علیه السلام و برادران ایشان روی داد؛ علی بن موسی علیه السلام با ایثار، گذشت، بخشش و نادیده گرفتن بدیهای وی، با آنها مهربانی کردند و فرمودند: «لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظیم، اما ای برادران من خداوند می داند، که من خواستار خرسندی شما هستم، پروردگارا اگر می دانی، که من دوستدار اصلاح حال آنانم، با آنان خوشرفتارم، پاس پیوند آنان را دارم، به آنان مهربانم و برای اصلاح امور آنان، روز و شب می کوشم؛ پاداش نیکو به من مرحمت فرما، و اگر جز این است، تو خود دانای اسراری، به هرچه شایسته آنم پاداشم ده، اگر بد است بد، و اگر خوب است خوب. خداوندا، آنان را اصلاح فرما، و امور آنان را بهبود بخش و شیطان را از ما و اینها دور گردان، و بر فرمانبرداری خود، آنان را یاری ده، و آنان را به راه خودت هدایت فرما اما ای برادر، من خواستار خوشحالی شما هستم، در اصلاح امورتان کوشایم، و خدا را به آنچه می گویم، گواه می گیرم. در برخورد امام رضا علیه السلام با برادرانش هیچ سخن تلخ، و واژه سختی از آن حضرت شنیده نشد، و این خود نشانه ای است، بر بردباری زیاد، و گذشت بی اندازه امام علیه السلام. همچنین با این که عباس، در برخورد با برادر و گفتگو با او، از حد خود تجاوز کرد، و سخنهای ناشایست و گزنده گفته بود، و به پدر خود، امام موسی بن جعفر علیه السلام تهمت زده بود، که حسد ورزیده، و به آنان ستم کرده و این گونه سخنان معمولاً غیرت برانگیز است، اما امام علیه السلام همچنان آرام و بردبار ماند و نادانی و سبکسری برادر، ایشان را از جای نبرد، و از حد تعادل خارج نساخت. به راستی این درجه حلم و گذشت از طرف امام علیه السلام، ظاهرسازی و تصنع کاری نیست بلکه اینها جاری از منبع خیر و اصل محبت است، که همه ائمه طاهرین علیهم السلام در حالت مواجهه با دیگران، و مبارزه جویی آنان، بدین صفت شناخته شده اند (فضلالله، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۲؛ مجلسی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴؛ معروفالحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۹؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۱)

مسئولیت پذیری:

در نهاد خانواده هر یک از اعضاء آن مسئولیت یا مسئولیتهایی را بر عهده دارند. (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۵) که باید آن را به خوبی انجام داده و شانه خالی نکنند. همین مسئولیت پذیری سبب انجام بهتر امور و پیشرفت و دلگرمی در خانواده شده و پایه های آن را تقویت می کند.

زن در همان داخل خانواده، کارهایی را انجام می دهد که نیازی به بیرون رفتن از خانه پیدا نکند؛ و این امر به مصلحت زندگی مشترک می باشد. با این تقسیم کار و اختصاص یافتن کار های مربوط به داخل خانه به زن، ارزش زن بالا می رود و از طرف دیگر مسئله عفت و حریم میان زن و مرد، رعایت شود. و این برای تحکیم وضع خانواده، چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه عواطف بهتر است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۱، ص ۴۴۲) مرد نیز باید کارهای بیرون از خانه را به عهده گرفته و آنها را به خوبی انجام دهد. مانند زندگانی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیه که زیباترین روابط و مستحکمترین بُنیه خانوادگی را داشتند و برتین فرزندان را تربیت کردند.

علاوه بر مادیات و زندگی عادی باید در جنبه تربیتی نیز مسئولیت پذیر بود ارشاد و هدایت خانواده در مسیر درست را به غفلت نسپرد؛ امام رضا علیه السلام فرمودند: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، یا بدترین شما بر شما مسلط خواهد شد، پس خوبان شما دعا خواهند کرد و مستجاب نخواهد شد.» امر به معروف و نهی از منکر راه صحیح در زندگی اسلامی است و اهمال در این کار، گناه دو چندان دارد، از جمله اشاعه منکرات و عدم استجابت دعای خوبان. (شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۴) ترک این امر در خانواده سبب حاکیت زشتی ها و فساد بر خانه شده و آن خانواده را به افول و سقوط می کشاند.

در حر حال وظیفه هر یک از افراد اطاعت از خداوند و تعال می باشد و نافرمانی توجیهی نخواهد داشت؛ حتی اگر فرزند امام نیز طاعت خدا را کنار گذارد، از گمراهان خواهد بود. چنانکه اگر کسی خدا را خالصانه اطاعت کند جزء اهل بیت به شمار خواهد رفت. در خانواده نیز اطاعت امر خداوند باید در همه ابعاد آن مشهود باشد؛ و چنین خانواده ای به برکت طاعت خداوند دوام و استحکامی بی مثال خواهد داشت. حضرت رضا علیه السلام در روایتی فرمودند: «پس هر یک از اقربای و خویشان ما که اطاعت خدا نکند از ما نیست.» و به حسن و شاء- راوی حدیث - فرمودند: «و تو اگر اطاعت خدا کنی از ما اهل بیت خواهی بود.» (قمی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۵۷۹)

تلاش و پشتکار:

تأمین یک زندگی خوب از اهمیت بالایی برخوردار می باشد و ائمه تأکیدات بسیاری را به مردان داشته اند و آنان را به توجه کردن به خانواده و نیاز های آن تشویق نموده اند. مثلاً امام رضا علیه السلام فرمودند: «بر صاحب نعمت واجب است که عیال خویش را در رفاه قرار دهد. بر مرد روا نیست که یک خوراک راتنها مخصوص خود قرار دهد و خانواده را از آن محروم سازد.» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۰۶) و در روایت مشابهی آورده شده است که ایشان فرمودند: «بر صاحب نعمت حقوقی واجب است: یکی از آنها، ... فراهم کردن آسایش خانواده است.» (طبرسی، ترجمه هوشمند، ص ۵۷۹؛ ابن شعبه، ترجمه حسن زاده، ص ۸۰۳) و نیز بشیر گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «زندگی فراخ، در داشتن منازل بزرگ و خدمت کاران بسیار است.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۷۳۹) که نشان از توجه امام به رفاه و زندگی بهتر می باشد.

با تلاش و کوشش می توان مشکلات زندگی را حل کرد و پیشرفت و رفاه بیشتری را به اهالی خانه هدیه داد و با تأمین نیاز های آنان، خانواده را از غیر بی نیاز کرد؛ از این روست که زحمت کشیدن در راه به دست آوردن آسایش، امنیت و رفاه بیشتر در اسلام ستوده شده است و روایات فراوانی از ائمه به خصوص امام رضا علیه السلام در این زمینه نقل شده است. مثلاً آورده شده است که امام رضا علیه السلام فرمودند: «به راستی آن کس که روزی بیشتری را بجوید تا خانواده و نانخورش را تأمین کند، پاداشش از جهادگر در راه خدا بزرگتر است. کار برای امرار معاش خانواده جهاد در راه خداست، و شرفی است که مرد با تلاش در راه اهل و عیال خود آن را کسب می کند و مجدی است که به آن فخر می فروشد. (ابن شعبه، ترجمه حسن زاده، ص ۸۰۹؛ حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۳۶؛ مجلسی، ۱۳۶۴، ص ۲۹۰؛ شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۶؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۹) زحمات مرد اگر با همراهی و قدر شناسی زن همراه باشد؛ خانواده را از غیر بی نیاز داشته و پایه های آن را از فرو ریختن بر اثر فقر و نیاز و حرصت حفظ می نماید و استحکام نهاد خانواده را تداوم می بخشد.

علاوه بر کسب روزی و تلاش برای افزایش توان اقتصادی خانواده، نوع خرجی دادن و اندازه آن نیز از اهمیت برخوردار می باشد عباسی - راوی حدیث - می گوید: از امام رضا علیه السلام برای خرج خانواده اجازه خواستم و سؤال نمودم، فرمودند: «میان دو حد ناپسند باشد»؛ گفتم: فدایت شوم، سوگند به خدا، نمی دانم دو حد ناپسند کدام است. فرمود: «خدایت بیامرزاد، آیا نمی دانی که خدای بزرگ اسراف و تنگ گیری هر دو را مکروه و ناپسند خوانده است.» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۲۹؛ ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۱) با این روایت روشن می شود که خرج کردن برای خانواده باید از افراط و تفریط به دور باشد. و پس انداز کردن نیز می تواند در نوبه خود در ایجاد آسایش خاطر و امنیت روانی در اهالی خانه مفید واقع شود؛ حسن بن جهم گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم می فرمودند: «مردم هر گاه غذای یک سال خود را در منزل داشته باشند بار زندگی آنها آسان

می‌گردد و از نگرانی‌ها آسوده می‌شود.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۸) و در کنار همه اینها قناعت کردن می‌تواند درمان و چاره‌ای برای روزهای دشوار باشد و مانع از هم پاشیدن بنیان خانواده گردد. حضرت رضا علیه السلام در صفت افراد زاهد فرمودند: «با نداشتن قوت قناعت کند، و برای روز مرگش خود را آماده سازد، و در زندگی خود را به مشقت اندازد.» (عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۹۰)

توکل به خدا:

توکل از ویژگی‌های مؤمنان می‌باشد و به معنای واگذار کردن امور به خداوند می‌باشد. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (تغابن، ۱۳) (داوری، ۱۳۹۰، ص ۷۸-۷۹) امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «ایمان چهار پایه دارد: توکل بر خدا و رضا به قضای او و تسلیم شدن به امر خدا و وا گذاشتن کار به خدا.» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۸؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۳۴۹؛ شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۶۴)

ایمان به خداوند باید در همه زندگی، خصوصاً زندگی خانوادگی جریان یابد. باید هم در مشکلات و روزهای سخت نتیجه امور را به خدا سپرد، و هم در سایر مواقع توکل به خداوند را سرلوحه همه کارها قرار داد. اگر نهاد خانواده بر پایه ایمان و باور به خداوند مهربان بنا شود بسیار مستحکم تر خواهد بود. علی بن شعیب گوید: بر ابو الحسن رضا علیه السلام داخل شدم پس به من فرمودند: «... به خداوند گمان نیکو ببر زیرا هر کس که به خدا خوشبین است، خداوند هم با گمان خوش او همراه است. و هر که به اندک روزی خرسند است، عمل اندک از او پذیرفته شود. و کسی که به اندک از حلال راضی شود، هزینه‌اش اندک گردد و خانواده‌اش خوشند و خداوند به درد دنیا و درمانش بینا سازد و او را از دنیا به سلامت به دار السلام برساند.» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۹؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۷۱۵؛ مجلسی، ۱۳۶۴، ص ۲۹۳)

در کنار توکل به خداوند قانع بودن و رضایت از زندگی که همان رضایت از نعمات خداوند متعال می‌باشد، سبب آسانتر گشتن زندگی و تحکیم بیشتر آن می‌باشد. احمد بن عمر، و حسین بن یزید گویند: خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیده عرض کردیم ما از گشایش روزی و طراوت زندگی برخوردار بودیم، اینک وضعمان اندکی فرق کرده، دعا کنید خداوند نعمت سابقمان را بازگرداند. امام فرمودند: «شما چه می‌خواهید؟ می‌خواهید پادشاه باشید؟ دوست دارید مثل طاهرذو الیمینین، فرمانده لشکر مأمون و هرثمه سردار معروف قشون باشید و بر خلاف مسلکی که دارید مسلک دیگر داشته باشید؟» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۷۱۵؛ شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۰؛ عطاردی، ۱۳۹۷، ص ۴۴۴) قانع بودن به آنچه که خداوند روزی خانواده قرار داده است و همچنین تلاش در کنار قناعت و توکل، فضای خانه را آرام و زندگی را شیرین می‌نماید.

فرزند آوری:

هر یک از مرد و زن به تنهایی ناقصند و به دیگری محتاجند و با ازدواج کامل می شوند و حاصل ازدواج تولید مثل و فرزند آوری می باشد. (کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳) فرزند آوری سبب ایجاد موقعیت جدید در خانواده شده و با خود شادی و خیر و برکت می آورد. ابن بابویه به سند معتبر از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «فرزند در دنیا برای هر کس که باشد، گل است و دو گل من حسن و حسین هستند.» (مجلسی، ۱۳۸۲، ص ۳۸۶) فرزند هم موجب محکمتر شدن روابط والدین شده و هم همکاری آنان را بیشتر کرده و آنها را به هم نزدیکتر می نماید؛ در عین حال استدامه نسل در جامعه نیز به فرزند آوری بستگی مستقیم دارد.

محمد بن اسحاق کوفی از عموی خود احمد بن عبد الله بن حارثه کرخی نقل کرد که گفت: برای من بچه نیماند در حدود سیزده چهارده بچه از من فوت شده بود. به مکه برای انجام حج رفتم. در آنجا خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم و امام به طرف من آمدند، پیراهنی گلرنگ در تن داشتند. سلام کرده دستش را بوسیدم و چند مسأله از ایشان سؤال کردم؛ سپس شکایت از زنده نماندن فرزند نمودم. مدتی سر به زیر انداختند و آنگاه شروع به دعا کردند و فرمودند: «امیدوارم در بازگشت، فرزندى در حمل داری برای متولد شود و بچه دیگر نیز خدا به تو بدهد. در طول زندگی از وجود آن دو بهره مند میشوی خدا وقتی بخواهد دعائی را مستجاب نماید میکند او بر هر کاری قادر است. ...» (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۳۴؛ طبری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۸۰)

امام رضا علیه السلام فرزند خود را بسیار دوست می داشتند و او را از همان کودکی بسیار گرمی داشته و تکریم می کردند؛ چنان که بنابر روایات، در شب میلاد امام جواد علیه السلام، ایشان به اصحابشان فرمودند: «در این شب فرزندى برای من متولد شده است که شبیه موسی بن عمران علیه السلام است که شکافنده دریاها بود. پاک قرار داده شده مادری که او را زاییده است، و همانا مادر او طاهره و مطهره آفریده شده است. ...» (تقی زاده‌اوری، ۱۳۸۵، ص ۳۷۹) حضرت رضا علیه السلام در ادامه زندگانی نیز فرزند خود را بزرگ داشته و ایشان را ارشاد می نمودند؛ ایشان فرمودند: «ای فرزند دلبندم به قضای الهی راضی شو و در هر پیشامدی صابر و شکیبا و خرسند و شادمان باش...» (عرفانمنش، ۱۳۷۶، ص ۱۹)

نتیجه گیری:

نهاد خانواده‌مهمترین نهاد بشری هست که جامعه بر پایه آن بنا می‌شود و سعادت یک جامعه نیز به طور مستقیم به سعادت‌مندی خانواده بستگی دارد؛ و این اهمیت ولای خانواده سبب شده است که تحکیم بخشی به این نهاد و حفظ آن از تضعیف، فرو ریختن و از بین رفتن نیز از اهمیت بالایی برخوردار باشد. برای استحکام بخشی به خانواده اسلامی، باید باتوجه به آموزه‌های دینی خصوصاً سیره ائمه علیهم السلام، مبانی تحکیم را باز شناسی شده و به جامعه و خانواده‌ها ارائه شود. مهمترین عوامل و مبانی تحکیم نهاد مقدس خانواده اسلامی در سیره امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عبارت است از: عفت، عمل به آموزه‌های دینی، محبت، احترام، گذشت و بخشش، مسئولیت‌پذیری، تلاش و کوشش، توکل بر خدا و فرزند آوری، و ... که هر یک از مبانی به نوعی سبب قوی تر شدن پایه‌های زندگی مشترک شده و آن را، هم از فرو ریختن حفظ می‌نماید و هم موجب اعتلای خانواده شده و اعضاء آن را باتکامل و سعادت مقرون می‌نماید.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: طناحی، محمود محمد، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، الخصال، مترجم: جعفری، یعقوب، نسیم کوثر، قم، اول، ۱۳۸۲ش.
۴. ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، عیون أخبارالرضا علیه السلام، مترجم: مستفید، حمید رضا، غفاری، علی‌اکبر، نشرصدوق، تهران، اول، ۱۳۷۲ش.
۵. ابن جوزی، سبط، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، مترجم محمدرضا عطائی، آستان قدس رضوی، مشهد، اول، ۱۳۷۹ش.
۶. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، اول، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، علامه، قم، اول، ۱۳۷۹ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: میر دامادی، جمال الدین، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ق.
۹. اربلی، علی بن عیسی، ترجمه و شرح کشف الغمّة، مترجم: زواره‌ای، علی‌بنحسین، اسلامیة، تهران، سوم، ۱۳۸۲ش.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفه الأئمّة، رضی، قم، اول، ۱۴۲۱ق.

۱۱. اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، روشنگران، تهران، هفتم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. امام هشتم، علی بن موسی علیه السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، اول، ۱۴۰۶ق.
۱۳. امام هشتم، علی بن موسی علیه السلام، نامه زرین سلامت، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، اول، ۱۳۸۹ش.
۱۴. امین عاملی، سید محسن، أعیان الشیعة، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۵. امین عاملی، سید محسن، سیره معصومان، مترجم: حجتی کرمانی، علی، سروش، تهران، دوم، ۱۳۷۶ش.
۱۶. بحرانی، عبدالله بن نور الله، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآیات والأخبار والأقوال، مؤسسه الامام المهدي عج الله تعالی فرجه الشریف، قم، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۷. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم: مهیار، رضا، انتشارات اسلامی، تهران، دوم، ۱۳۷۵ش.
۱۸. بهجت پور، عبدالکریم (و همکاران) تفسیر موضوعی قرآن کریم، معارف، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۹. تقی زاده داوری، محمود، تصویر امامان شیعه در دائرة المعارف اسلام، مؤسسه شیعه شناسی، قم، اول، ۱۳۸۵ش.
۲۰. تمنا، سعید، مبانی جمعیت شناسی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، هفتم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة، اعلمی، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۵ق.
۲۲. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ترجمه: آرام، احمد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، اول، ۱۳۸۰ش.
۲۳. داوری، محمد، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی، معارف، قم، سی و سوم، ۱۳۹۰ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مترجم: خسروی، غلامرضا، محقق: خسروی حسینی، غلامرضا، مرتضوی، تهران، دوم، ۱۳۷۴ش.
۲۵. رفاعی، عبد الجبار، معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته، وزارت ارشاد، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۱ش.
۲۶. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، مترجم: صالحی، سید محمد، اسلامیة، تهران، اول، ۱۳۸۲ش.
۲۷. شریف قرشی، باقر، حیاة الإمام الرضا علیه السلام، سعید بن جبیر، قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۰ش.
۲۸. شریف قرشی، باقر، حیاة الإمام محمد الجواد علیه السلام، امیر، چاپ: دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۹. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، المكتبة الحیدریة، نجف، دوم، ۱۳۸۵ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه اعلام الوری، مترجم: عطاردی، عزیز الله، اسلامیة، تهران، اول، ۱۳۹۰ق.

۳۱. طبری، عماد الدین حسن بن علی، مناقب الطاهرین، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۹ش.
۳۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق: حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. عرفانمنش، جلیل، جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، دوم، ۱۳۷۶ش.
۳۴. عسکری، مرتضی، طب الرضا و طب الصادق علیهما السلام، فؤاد، تهران، سوم، ۱۳۶۶ش.
۳۵. عطاردی، عزیزالله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، مترجم: عطاردی، عزیز الله، کتابخانه صدر، تهران، اول، ۱۳۹۷ق.
۳۶. فضل الله، محمد جواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، مترجم: عارف، سید محمد صادق، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، هفتم، ۱۳۸۲ش.
۳۷. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس القرآن، قرآن دار الکتب الاسلامیه، تهران، ششم، ۱۴۱۲ق.
۳۸. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۳۹. قمی، عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الال، دلیل ما، قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ش.
۴۰. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، علی و شکوه غدیر، مترجم: شاه محمدی، محمد علی، مهر امیر المؤمنین علیه السلام، قم، اول، ۱۳۸۴ش.
۴۱. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح المنیر فی غریب الشرح و الکبیر الوافی، دار الرضی زاهدی، قم، دوم، ۱۴۰۵ق.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، مترجم: مصطفوی، سید جواد، کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران، اول، ۱۳۶۹ش.
۴۳. کریمی، یوسف، روان شناسی اجتماعی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، نوزدهم، ۱۳۹۲ش.
۴۴. کلانتری، علی اکبر، اخلاق زندگی، دفتر نشر معارف، قم، دوم، ۱۳۸۷ش.
۴۵. مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمه، دار الحدیث، قم، چاپ: اول، ۱۴۲۲ق.
۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعه الدرر الاخبار الاثمه الاطهار، اسلامی، تهران، دوم، ۱۳۶۳ش.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، جلاء العیون، سرور، قم، نهم، ۱۳۸۲ش.
۴۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت امام رضا علیه السلام، مترجم: خسروی، موسی، اسلامی، تهران، اول، ۱۳۸۰ش.

۴۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، مترجم: خسروی، موسی، اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۷۷ش.
۵۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم السلام، مترجم: خسروی، موسی، اسلامیة، تهران، دوم، ۱۳۶۴ش.
۵۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مواظ امامان علیهم السلام، مترجم: خسروی، موسی، اسلامیة، تهران، اول، ۱۳۶۴ش.
۵۲. المرعشی التستری، القاضی نور الله، احقاق الحق، مکتبہ آیة الله المرعشی النجفی، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ق.
۵۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول، ۱۳۶۸ش.
۵۴. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام، صدرا، تهران - قم، چهارم، ۱۳۸۳ش.
۵۵. معروف الحسنی، هاشم، زندگانی دوازده امام علیهم السلام، مترجم: مقدس، محمد، امیر کبیر، تهران، چهارم، ۱۳۸۲ش.
۵۶. معروف الحسنی، هاشم، سیره الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، المکتبہ الحیدریة، نجف، چاپ: اول، ۱۳۸۲ق.
۵۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ارشاد، مترجم: ساعدی خراسانی، محمدباقر، اسلامیة، تهران، اول، ۱۳۸۰ش.
۵۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.